



دانشگاه آزاد اسلامی مشهد
دانشکده حقوق علوم سیاسی و زبان های خارجه

جزوه نرهبکاری اطفال^(۲)

استاد محترم جناب دکتري حميدرضا دانش ناري

دانشجو عليرضا باشرف



وبسایت: www.iran-nama.rzb.ir

alirezabasharaf1334@gmail.com

به نام خداوند بخشنده و مهربان

«منزعت آن نیست که همه گناه کار، مستند و باید مجازات شوند بلکه در آن است که هیچ بی گناهی مجازات نشود.»

مقدمه

باعرض ادب و احترام خدمت دانشجویان عزیز و محترم این جزوه برگرفته شده است از مباحث بازیگری اطفال (۲) می باشد که استاد محترم جناب دکتر دانش ناری بیان فرموده اند و در پایان از این استاد ارجمند کمال تشکر را دارم که چنین جزوه را در اختیار دانشجویان جهت ارتقاء سطح علمی قرار داده است و در پایان برای تمامی دانشجویان موفقیت و پیروزی را آرزو می کنم.

واژه گان کلیدی:

بازیگری، مسئولیت کیفری اطفال، اصل برائت، قواعد تفسیری عام و خاص.

برای دریافت فایل این جزوه می توانید به آدرس وب سایت زیر مراجعه بفرمائید.

www.iran-nama.rzb.ir

علیرضا باشرف

تابستان ۱۳۹۵

بزهکاری اطفال یک مربوط می شود به جرم شناسی بزهکاری اطفال ، در بزهکاری دو مباحث حقوق ماهوی و حقوق شکلی حاکم بر بزهکاری اطفال می باشد و بزهکاری اطفال دو حقوق کیفری اطفال است .

فصل اول : کودکی یا طفولیت

کودکی یا طفولیت یک مفهوم سیال و پویا می باشد این اصطلاح در طول تاریخ با تغییراتی مواجه شده است با وجود این رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده فرایند از اینترنت موجب شده تا مفهوم طفولیت و کودکی قدری از تعریف سنتی خود فاصله گیرد به عبارت بهتر استفاده از فضای مجازی موجب این شده است که تا کودکان با بالیدگی یا بلوغ زودرس مواجه شدند . بالندگی زودرس اطفال و کودکان در حین حال که پختگی اجتماعی آنها را تسهیل می کند که موجب آشنایی آنها با مفاهیم ، اصلاحات و وضعیت هایی می شود که ممکن است مقتضی سن آنها نباشد .

این شاخص احتمال بروز پدیده های مجرمانه توسط اطفال و نوجوانان را افزایش می دهد در اینجا است که شاخصه ایی از علم حقوق به نام حقوق کیفری اطفال مطرح می شود.

این قلمروی مطالعاتی از علم حقوق به دنبال برخورد منصفانه و انسانی با طفل بزهکار می باشد اگر قلمرو حقوق را به حقوق کیفری ماهوی و حقوق کیفری شکلی تنظیم شود حقوق کیفری اطفال در هر دو قلمرو به دنبال حمایت از کودک و اعطای امتیازات و ویژگی هایی به وی می باشد .

به عنوان مثال در قلمرو حقوق کیفری ماهوی بالابردن سن مسولیت کیفری ، حذف مجازات های شدید از جمله اعدام ، اعطای کیفیات مخففه ، جرم زدایی و غیره از جمله امتیازات اعطایی به طفل بزهکار می باشد . در قلمرو دادرسی کیفری افتراقی منع بازداشت های طولانی مدت و مواردی از این دست جزو حقوق اطفال بزهکار محسوب می شود در این درس ما به دنبال آن تفسیری عام و خاص حقوق کیفری اطفال را با تکیه بر مستندات قانونی نظام کیفری ایران و توجه به استناد بین المللی همچون کنوانسیون حقوق کودک و حداقلی سازمان ملل متحد برای اطفال بزهکار ، تقدیم کرده و پس از آن دادرسی اطفال و نوجوان را ارزیابی می کنیم .

➤ مفهوم طفل و سن مسؤولیت کیفری

اولین سوالی که در این قلمرو مطرح می شود این است که طفل کیست و چه ویژگی هایی دارد ؟

براساس تعاریف علمی کودک کسی است که به رشد و طفولت کامل جسمی و روحی نرسیده باشد گرچه که در خصوص تعیین شاخص سنی میان دوره کودکی و نوجوانی اختلاف نظر وجود دارد اما کنوانسیون حقوق کودک به صورت ارشادی افراد زیر ۱۸ سال را کودک قلمداد کرده است .

به لحاظ فقهی طفل فردی است که توانایی برقراری رابطه جنسی را با جنس مخالف خود ندارد در اصطلاحات فقهی کودکی یا طفولیت در برابر مفهوم بلوغ بکار می رود.

بر اساس آموزه های فقه شیعه (امامیه) نشانه های بلوغ عبارتند از ؛

➤ نشانه های بلوغ

۱. رسیدن به سن ۱۵ سال تمام قمری برای پسران و رسیدن به سن ۹ سال تمام قمری برای دختران .

۲. حیض و احتلام .

۳. رویدن موهای خشن بر عانه یا زهار .

بر این اساس چنانچه فردی به یکی از سه شاخص مورد اشاره برسد می توان گفت که وی بالغ است و در قبال عبادات [طهارت ، نماز ، روزه ، خمس ، زکات و ...] که در نقطه مقابلش معاملات می باشد [متاجد،زنا و ...] مسؤولیت دارد .

در نظام حقوقی ایران و بر اساس ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ برای پسران ۱۵ سال تمام قمری و برای دختران ۹ سال تمام قمری می باشد در این راستا مناسب است به بحث مسؤولیت کیفری نیز اشاره داشته باشیم .

➤ مسؤولیت کیفری

مسؤولیت کیفری که به معنای توانایی پذیرفتن بار تقصیر و به تبعه آن تحمل کیفر می باشد که در بحث مربوط به حقوق اطفال دارای اهمیت است ، در ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی اطفال نابالغ فاقد مسؤولیت کیفری می باشند تبصره این ماده نیز در تعیین شاخص سن بلوغ ملاک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی را در نظر گرفته است .

رویکرد قانونگذار در قانون جدید مجازات اسلامی یک رویکرد جهشی بود، مراد از جهشی یعنی اینکه فرد دارای مسئولیت کیفری تام می باشد ولی مسئولیت تدریجی یعنی اینکه تمامی مسئولیت ها بر فرد بار نمی شود که این مسئولیت تدریجی در خصوص رویکرد مسئولیت کیفری تعزیری می باشد اما رویکرد جهشی در خصوص مسئولیت حدی است.

❖ مبحث اول: مسئولیت کیفری جهشی

گونه از مسئولیت کیفری است که بر اساس آن فرد با رسیدن به سن مسئولیت کیفری (در کشور ما ایران ۱۵ سال تمام قمری برای پسران و ۹ سال تمام قمری برای دختران) با تمامی ضمانت اجرای کیفری از جمله اعدام و شلاق مواجه می شوند بر اساس این رویکرد فرض بر این است که فرد با رسیدن به سن مسئولیت کیفری از چنان قوای ذهنی و جسمانی برخوردار می شود که تا به تحمل تمامی مجازاتها را دارد ، قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی ایران سال ۱۳۷۰ این رویکرد را اتخاذ کرده بود اما نوع دوم مسئولیت کیفری ، مسئولیت کیفری تدریجی یا درجه بندی شده می باشد که بر این اساس قانونگذاران صرف رسیدن به سن مسئولیت کیفری را ابزاری جهت تحمیل انواع مدت ضمانت اجراها به حساب نمی آورد لذا در این بستر قانونگذاران بازه های زمانی مشخصی را تعیین کرده و به موازات افزایش سن ضمانت اجراهای شدیدتر را ملاک قرار می دهد.

❖ مبحث دوم: مسئولیت کیفری تدریجی

قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در قبال جرایم تعزیری رویکرد تدریجی را ملاک قرار داده است که بر این اساس فصل دهم این قانون به بحث اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان اختصاص پیدا کرده است که بر این اساس ماده ۸۸ همین قانون مقرر می دارد؛ « درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان.

تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید:

۱ - معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان

۲ - فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی

۳ - اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

۴ - جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵ - جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محلهای معین

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور دربند(الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده(۱۱۷۳) قانون مدنی^۱.

تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای(ت) و(ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل

۱- ماده ۱۱۷۳ - هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضائی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.

موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

۱. اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار.
۲. اشتها به فساد اخلاق و فحشاء.
۳. ابتلا به بیماریهای روانی با تشخیص پزشکی قانونی.
۴. سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشاء، تکی گری و قاچاق.
۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.

اجراء است. اعمال مقررات بند(ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده اند، الزامی است.

تبصره ۲ - هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم می شود و در غیراین صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می گردد.

تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید. «

بر این اساس در صورتی که طفل ۹ تا ۱۲ سال تمام شمسی مرتکب جرم تعزیری شود با ضمانت اجرایی چون نصیحت به وسیله قاضی، تسلیم به والدین، تسلیم به اشخاص حقوقی، تذکر و اخطار مواجه می شود.

لذا ماده ۸۹ همین قانون نیز چنین مقرر می دارد؛ «درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات های زیر اجراء می شود:

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.

ت- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲- دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

بر این اساس طبق ماده ۸۹ چنانچه طفل ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمس‌مرتکب جرم تعزیری شود با ضمانت اجرای چون جزای نقدی و حضور اجباری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شود و پس از این دوره نیز قانون مجازات اسلامی تا سن هجده سال را حضور در کانون اصلاح و تربیت را در بازه های زمانی مختلف مورد اشاره قرار داده است.

لذا همانطوری که مواد قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد مسئولیت کیفری تدریجی از خفیف ترین نوع مجازات ها شروع شده و با افزایش سن مجازات ها شدیدتر می‌شوند. همانطور که مشخص است قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۹۲ در خصوص جرائم تعزیری رویکرد تدریجی را ملاک قرار داده است با وجود این در خصوص جرائم حدی و مستوجب قصاص قانونگذار کماکان رویکرد جهشی را در نظر داشته است که براین اساس چنانچه پسران سن پانزده سال تمام قمری یا دختران سن نه سال تمام قمری مرتکب جرم موجب حد یا قصاص شود به مجازات های مندرج در قانون مجازات محکوم خواهد شد.

لذا می‌توان گفت در شرایط کنونی در خصوص جرائم تعزیری رویکرد تدریجی و در خصوص جرائم حدی رویکرد جهشی وجود دارد.

فصل دوم : قواعد تفسیری

❖ قواعد تفسیری حقوق کیفری اطفال

قواعد تفسیری حقوق کیفری اطفال شامل دو دوره مهم می باشد .

دوره اول : نهادهای بین المللی همچون سازمان ملل متحد ، دیوان اروپایی ، حقوق بشر و شورای حقوق بشر و رابطه سازمان ملل متحد در پی اعطای امتیازات به اطفال بودن که شاخص های امتیازات در قلمروی حقوق کیفری ماهوی و حقوق کیفری شکلی پدیدار گشت .

بر این اساس حذف مجازاتهای بدنی برای نوجوانان و جوانان بزهکار، گسترش دامنه تخفیف مجازاتها ، دادرسی های افتراقی ، منع بازداشت های خودسرانه و غیره از جمله این امتیازات محسوب می شد.

دوره دوم : در این دوره متأثر از رشد دولتهای رفاه در کشورهای اروپایی غرب و آمریکای شمالی ، تضمین شرایط بهداشتی ، آموزشی و رفاهی مورد نظر سیاستگذاران قرار گرفته است ، در این راستا مناسب است که کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ (سازمان ملل متحد) اشاره کرد این کنوانسیون به عنوان یک سند راهبردی در زمینه حقوق کیفری اطفال به دنبال حمایت هر چه بیشتر از کودکان بطور عام و کودکان بزهکار بطور خاص می باشد .

جمهوری اسلامی در سال ۱۳۷۲ مسئولیت کیفری تدریجی در جرائم تعزیری متأثر از حقوق کودک باشد زیرا بر اساس این کنوانسیون کسی که زیر هجده سال سن داشته باشد طفل محسوب می شود با وجود این کنوانسیون ملاک سن مسئولیت کیفری را نحو ارشادی هجده سال تعیین کرده است .

این کنوانسیون با اتحاد یک سیاست جنایی افتراقی به دنبال حمایت از کودکان (اطفال) در زمینه تعیین کیفر و دادرسی کیفری می باشد ، بر این اساس در درس حقوق کیفری اطفال قواعد تفصیلی عام و خاص حقوق کیفری اطفال را بررسی می کنیم و پس از آن فرایند دادرسی کیفری در قلمروی بزهکاری اطفال را مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهیم داد .

❖ گفتار اول : قواعد تفسیری عام

بند ۱: اصل قانونمندی جرم و مجازات

اصل قانونمندی بدین معناست که هیچ عملی جرم نیست مگر آنکه قانونگذار آن را از قبل جرم انگاری کرده باشد و هیچ عملی قابل مجازات نیست مگر آنکه مجازات آن عمل در متن قانون تعیین شده باشد ، اصل قانونمندی که فرا اصل بنیادی حقوق کیفری می باشد .

در اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی تبلور یافته است و خواستگاه اصل قانونمندی در نظام های حقوقی کشورهای غربی را می توان در اندیشه های آقای سزاریا بکاریا مشاهد کرد ، ایشان در رساله در مورد جرم و مجازات و با انتقاد از اندیشه های حقوقی دوره برون وسطی به این امر اشاره می کند که حقوق و آزادی های فردی و کنترل قدرت ایجاد می کند که نظام های سیاسی اعمال مجرمانه را از پیش تعیین کند با وجود آنکه به رسمیت شناختن اصل قانونمندی در نظام های غربی پیشینه نزدیک به دو قرن دارد اما در پرتوی آموزه های اسلامی تحویل اصل قانونی بودن را نشان می دهد که این رویکرد در نظام حقوقی اسلامی دارای قدمتی چهارده قرنی می باشد بر اساس آیات شریفه انصراف ؛ « هیچ عملی جرم نیست مگر شارع مقدس از قبل توسط نبی خود آن عمل را جرم انگاری کرده باشد. »

در این قلمرو می توان به « حدیث رفع پیامبر » و قاعده عقلی « قبح عقاب بلا بیان » اشاره کرد با وجود این در نظام حقوقی ایران چالش اصل ۱۶۷ قانون اساسی ایران وجود دارد بر اساس این اصل قاضی ملکف است حکم هر دعوا را در قوانین جستجو کند و اگر حکم را نیافت به منابع فقهی یا فتاوی معتبر رجوع کند.

سوال ؟؟

آیا قاضی می تواند با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی برخی از امور حرام که جرم انگاری نشده اند را با مجازات همراه کند ؟

گرچه رویه قضایی این عمل را مجاز می داند اما به اعتقاد ما این اصل تنها در امور مدنی قابلیت اجرایی را دارد و قابل تصریح به امور جزایی نمی باشد از این رو چنانچه عملی حرام باشد اما جرم نباشد قاضی پرونده نمی تواند با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی فرد را به مجازات محکوم کند ، لذا با استناد به اصل قانونی بودن جرم و مجازات و رد قابلیت تصریح اصل ۱۶۷ قانون اساسی به مسائل کیفری می توان گفت که مصادیق

فرهنگ جوانی همچون نوع پوشش ، نحوه آرایش، مدل مو و لباس و غیره به هیچ عنوان جرم نمی باشد مگر آن که مصداق بد حجابی (تبصره ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات) باشد.

متأسفانه قانونگذار جمهوری اسلامی با کنار گذراشتن راهبردهای فرهنگی به مداخله کیفری و قلمرو حجاب پرداخته است که در نقد جرم انگاری ، بد حجابی به عنوان شاخصی گذرا از دوره نوجوانی می توان به نکات زیر اشار کرد ؛

۱. حجاب مسئله فرهنگی است که راه کنترل آن از طریق فرهنگ امکان پذیر است .
۲. از حیث شاخص های مهندسی کیفر گذشت بیست سال از جرم انگاری بد حجابی نشان می دهد که مداخله کیفری در این حوزه شکست خورده است .
۳. قانونگذار حجاب را صرفاً برای زنان در نظر گرفته و تنبیه آن بد حجابی را فقط برای زن مدنظر قرار داده است .

بند ۲: اصل برائت (فرض بی گناهی)

یکی از ارکان اساسی در قلمرو حقوق کیفری اصل برائت یا همان فرض بی گناهی می باشد بر اساس این اصل ، این می باشد که هیچ فردی مجرم نیست مگر اینکه جرم وی از پیش ثابت شده باشد .

اصل برائت در قلمرو حقوق کیفری در ارکان تشکیل دهنده جرم خود را نمایان می کند و در این راستا با اصل عدم هماهنگی می شود بر این اساس چنانچه فرض کنیم که نسبت به مجرمانه بودن یا مباح بودن رفتاری شک داشته باشیم اصل برائت حکم به مباح بودن آن رفتار می دهد.

در خصوص رکن مادی نیز چنانچه شک داشته باشیم که آیا فرد مرتکب رفتار مجرمانه شده یا خیر اصل برائت و اصل عدم حکم به عدم ارتکاب رفتار می دهد .

قلمرو رکن روانی نیز چنانچه شک داشته باشیم که عمل توأم با سوءنیت بوده یا خیر اصل بر آن است که ارتکاب جرم با سوءنیت یا قصد مجرمانه همراه نبوده است ، محتوای این اصل ضامن حیثیت ، آبرو و شرف انسان ها می باشد گرچه که در حقوق اسلامی اصل برائت خواستگاه خود را در قاعده « قبح عقاب بلا بیان » جستجو می کند اما در نظام های غربی اصل برائت نتیجه مفهومی است که از آن به کرامت انسانی یاد می شود .

خواستگاه اصل برائت در نظام های حقوق غربی به سده هجدهم در رساله درباره جرم و مجازات بر می گردد با وجود این اصل برائت در نظام حقوقی اسلام قدمتی طولانی تر دارد به نحوی که با شروع رسالت حضرت پیامبر (ص) اصل برائت در اسلام وجود داشته است، رعایت اصل برائت در حقوق کیفری (در نظام های غربی) متأثر از رشد نگرش های حقوق بشری بوده است.

بر این اساس در قلمرو فرایند کیفری مفهومی بوجود آمده است که از آن به جریان دادرسی منصفانه یاد می شود دادرسی منصفانه دارای اصول، قواعد و متغیرهایی است که در سه نسل بررسی می کنیم؛

نسل اول دادرسی منصفانه؛ حفظ حقوق متهم ➤ با وجود این نسل (اصول دادرسی منصفانه) پس از چندی ملاحظات جامعه نیز در فرایند دادرسی کیفری ملاک قرار گرفت زیرا با ارتکاب جرم نظم عمومی مختل می شود.

نسل دوم دادرسی منصفانه؛ دغدغه های جامعه ➤ فرایند کیفری در صورتی منصفانه است که دغدغه های جامعه را نیز مورد توجه قرار دهد.

نسل سوم دادرسی منصفانه؛ این نسل به دغدغه ها و نیازهای بزه دیده گان توجه می کند.

بزه دیده در تاریخ تحولات آئین دادرسی کیفری فردی است که همواره فراموش شده است و بر همین اساس توجه افراطی نظام های کیفری به حقوق دفاعی متهم و ملاحظات جامعه (اعاده نظم عمومی) باعث گردیده تا بزه دیده در عرصه سناریوی جنایی مورد غفلت قرار گیرد لذا نسل سوم اصول دادرسی منصفانه به دنبال توازن بخشی میان حقوق دفاعی متهم، حقوق دفاعی بزه دیده و رعایت منافع جامعه می باشد.

مفهوم اصل برائت برای نخستین بار در قانون اساسی آمریکا مصوب ۱۷۸۷ آمده است، ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر فرانسه و ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر به اصل برائت اشاره کرده است بر اساس مواد یاد شده اصل بر بی گناهی افراد است مگر اینکه جرم آنها در دادگاه صالح ثابت شود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به این اصل (اصل برائت) اشاره شده است که بر این اساس اصل ۳۷ قانون اساسی که مقرر می دارد؛ «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» اصول ۳۸ و ۳۹ این قانون مبنی بر منع شکنجه و منع هتک حیثیت و حرمت افراد از نتایج اصل ۳۷ قانون اساسی می باشد.

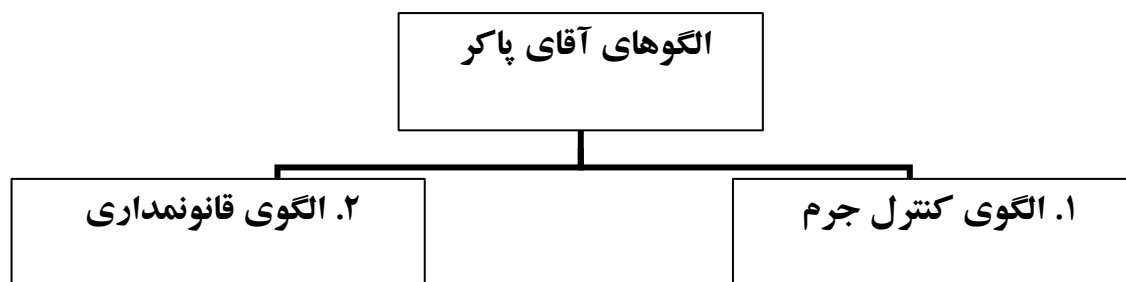
➤ آثار اصل براءت در حقوق کیفری

۱. تکلیف مقام تعقیب به ارائه دلیل و اثبات جرم می باشد ، بر اساس این شاخص دادستان مکلف است که برای اثبات جرم دلیل بیاورد فحوای این گذاره نشان می دهد که متهم نباید برای بی گناهی خود دلیل ارائه دهد چرا که « البینت علی المدعی و الیمین علی من المنکر » می باشد .

۲. منع شکنجه و اعطای فرصت به متهم جهت جرح ادله دادستان می باشد .

آقای «هربرت پاکر» استاد فقید حقوق کیفری دانشگاه استنفورد در سال ۱۹۶۹ با انتشار مقاله الگوهای دوگانه فرایند کیفری الگوی کنترل جرم و الگوی قانونمداری ، دو مدل و الگو از فرایندهای کیفری را معرفی کرده است همانطوری که می دانیم فرایند کیفری اصول ، قواعد ، مقررات و تشریفاتی است که به کشف جرم ، تعقیب کیفری ، تحقیقات مقدماتی ، رسیدگی ، صدور کیفرخواست ، دادرسی ، تجدیدنظرخواهی ، فرجام خواهی و اجرای حکم می انجامد . بطور خلاصه فرایند کیفری همان آیین دادرسی در قلمرو حقوق کیفری می باشد .

آقای پاکر نظام های غلط کیفری را بر حسب نوع فرایند کیفری به دو گروه تقسیم بندی کرده است که این دو الگو به شرح ذیل می باشند ؛



این دو الگو شاخص ها ، دغدغه ها و رسالت های خاص خود را دارند بطوری که الگوی کنترل جرم یک الگوی خشن ، سرکوبگر و سزاگرا بوده و در طول فرایند کیفری در سدد نقض حقوق دفاعی متهم به بهانه تأمین و اعاده نظم عمومی می باشد.

در نقطه مقابل، الگوی قانونمداری با به رسمیت شناختن تشریفات دادرسی به دنبال توازن بخشی میان حقوق جامعه و حقوق دفاعی متهمان است، جهت تقیین بهتر موضوع به معرفی تفصیلی این دو الگو در ذیل می پردازیم.

➤ الگوهای آقای هربرت پاکر

الف) الگوی کنترل جرم^۲

این الگوی کنترل جرم یک الگوی خشن و سرکوبگر می باشد به مجازات رساندن متهمان را رسالت اصلی خویش در نظر می گیرد به عبارت بهتر از آنجا که هدف نهایی نظام عدالت کیفری استقرار امنیت پایدار در جامعه می باشد می توان از طریق کیفرگرایی این امر را محقق ساخت.

بر همین اساس آقای پاکر معتقد است که شکست کنش گران عدالت کیفری در مجازات کردن متهمان منجر به فروپاشی نظم عمومی می شود.

الگوی کنترل جرم جهت دستیابی به رسالت اصلی خود که همان امنیت پایدار می باشد به مفهومی تکیه می کند که از آن به « کارایی » یاد می شود، به اعتقاد ایشان کارایی به معنای توان نظام عدالت کیفری در کشف جرم، توقیف، دستگیری، محکومیت و داشتن نرخ بالایی از بزهکاران می باشد.

موفقیت نظام عدالت کیفری در الگوی کنترل جرم داشتن درصدی بالایی از بزهکاران می باشد و بر همین اساس هدف نهایی الگوی کنترل جرم مدیریت کمی بزهکاران است.

مدیریت کمی بزهکاران بدین معناست که نیروهای پلیس در سدد هستند تا متهمان را تبدیل به بزهکاران نمایند از این رو تمامی نهادهای عدالت کیفری در سدد هستند تا با نقض حقوق دفاعی متهم در چرخه کیفری مجرمانی را تولید کنند بر همین اساس است که آقای پاکر الگوی کنترل جرم را به « خط تولید » تشبیه کرده است به باور ایشان همانطوری که کارکنان یک کارخانه در خط تولید به دنبال آن هستند تا مواد خام را تبدیل به محصول نهایی کنند کنش گران عدالت کیفری هم نیز در پی آن هستند تا مواد خام اولیه (متهم) را به محصول نهایی (بزهکاری) تبدیل نمایند.

۲ - Crime control model .

(ب) الگوی قانونمداری (دادرسی منصفانه^۳ و الگوی مبتنی بر موازین قانونی)

این الگو دادرسی بی طرفانه و منصفانه را سرلوحه عملکرد خود قرار می دهد و تأمین و اعاده نظم عمومی را از هر راهی پیشنهاد نمی کند زیرا حقوق و آزادی های افراد در الگوی قانونمداری ملاک می باشد .

در نقطه مقابل الگوی کنترل جرم که مدیریت کمی بزهکاران می باشد الگوی قانونمداری به دنبال مدیریت کیفی بزهکاران می باشد .

لذا در این رویکرد تضمین های حقوق بشری در فرایند کیفری مورد توجه قرار می گیرند که از آن جمله می توان به حفظ حقوق دفاعی متهم اشاره کرد .

آقای پاکر این الگو را به میدان موانع تشبیه کرده است به عبارت بهتر نهادهای عدالت کیفری در این الگو مانع از پیشروی متهم در طول فرایند کیفری می شوند .

نتیجه گیری اینکه :

با معرفی دو الگوی مورد اشاره رابطه آنها را با اصل برائت تقلیل می نمائیم در الگوی کنترل جرم که مدیریت کمی بزهکاران مورد توجه می باشد و کارکنان نهادهای عدالت کیفری در فرایند کیفری در قسمتهای مختلف خط تولید به دنبال تبدیل متهم به بزهکار می باشند می توان گفت که به نظر می رسد اصل برائت جایگاه مهمی در این الگو نداشته باشد بر همین اساس است که در این الگو اماره مجرمیت وجود دارد .

نتیجه این امر آن است که افراد و شهروندان باید برای بی گناهی خود دلیل اقامه نمایند در نقطه مقابل الگوی دادرسی منصفانه (قانونمداری) با به رسمیت شناختن اصل برائت در سدد آن است که مانع از پیشروی متهم در چرخه حقوق کیفری گردد .

۳- Due process model .

بند ۳: عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری ماهوی و عطف ماسبق شدن قوانین شکلی

یکی از نتایج بدیهی اصل قانونمندی اصل عطف ماسبق نشدن قوانین کیفری ماهوی و عطف به ماسبق شدن قوانین کیفری شکلی است. این اصل که متضمن حفظ حقوق و آزادی های فردی و مقابله با خودسری صاحبان قدرت می باشد بدین معناست که اثر قانون رو به آینده است و از این رو قانون نسبت به گذشته اثری ندارد.

فرض کنیم فردی در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۲ مرتکب عمل مباح سیگار کشیدن شده است، چنانچه قانونگذار در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۳ این عمل را جرم انگاری نماید نمی توان فرد را به دلیل انجام عمل پیش از زمان تصویب قانون (جرم انگاری) مجازات کرد، در قواعد فقه اسلامی ادله ای مبتنی بر عطف به ماسبق نشدن قوانین وجود دارد که از آن جمله می توان به؛

۱- قاعده جُب (اَلْسَلَامُ یَجِبُ و ما قَبْلَ).

۲- قاعده اَفْلَا عَمَّا صَلَف.

۳- قاعده قبح عقاب بلا بیان.

اشاره کرد که این قاعده های مورد اشاره در فوق هر سه مورد بر این باورند که اعمال قانون نسبت به اعمال پس از تصریح قانون صورت می گیرد در حقوق کیفری کشورهای غربی مطابق انتشار رساله درباره جرم و مجازات اصل عطف به ماسبق نشدن در اسناد بین المللی و حقوق داخلی کشورها تبلور یافت ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر به این نکته اشاره می کند که هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب جرم نیست محکوم نخواهد شد.^۴

ماده ۱۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی^۵ و نیز ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک به صراحت این اصل را به رسمیت شناخته است که بر اساس ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک هیچ کودک یا نوجوانی را نمی توان به دلیل انجام عمل پیش از فرایند جرم انگاری مورد تعقیب یا محاکمه قرار داد.^۶

۴- ماده ۱۱: الف) هر کس به گناهی متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع از او تامین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد.

ب) هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی شده است محکوم نخواهد شد. به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می گرفت درباره احدی اعمال نخواهد شد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اصل ۱۶۹ عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری پذیرفته شده است بر اساس این اصل که مقرر می دارد «هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.» در ماده ۴ قانون مدنی هم نیز آمده است که؛ «اثر قانون رو به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثری ندارد.»

در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی نیز آمده است که «در مقررات و نظامات حکومتی حکم به مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی توان به موجب قانون مؤخر مجازات گردد.»

قانونگذار در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی فرض هایی را در نظر گرفته که بر اساس آن احکام کیفری ماهوی عطف به ماسبق می شوند نمونه بارز این مورد را قانونگذار در جرایم تخفیف آمیز به رسمیت شناخته است بر

→ ۱. هیچ کس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین المللی جرم نبوده محکوم نمی شود و همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد هرگاه پس از ارتکاب جرم قانون مجازات خفیف تری برای آن مقرر دارد مرتکب از آن استفاده خواهد نمود.

۲. هیچ یک از مقررات این ماده با دادرسی و محکوم کردن هر شخصی که به علت فعل یا ترک فعلی که در زمان ارتکاب بر طبق اصول کلی حقوق شناخته شده در جامعه ملتها مجرم بوده منافات نخواهد داشت.

۵- ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک ؛

(۱) حکومت ها به هر کودکی که به دنبال دوره حبس یا اتهام وارده آسیب دیده است، کمک و اقدامات لازم را جهت درمان او می نمایند. بطوری که

منزلت او خدشه دار نشده و احترام به حقوق بشر و توانایی او در ایفای نقش مثبت در جامعه با رعایت سنی که دارد، تقویت شود.

(۲) هم صدا با دیگر پیمان های بین المللی، حکومت ها تضمین می کنند که هیچ کودکی با انجام عملی که در زمان ارتکاب، مطابق قوانین جرم نموده است، مجازات نمی شود و هر کودکی که به نوعی در مقابل قانون گناه کار شناخته شده و متهم یا مجازات می شود، این حداقل حقوق را دارد:

(ب) بلافاصله والدین و یا سرپرست کودک باید به موضوع اتهام واقف شده و بتوانند از ابزار حقوقی و داشتن وکیل برای دفاع از کودک برخوردارباشند.

(ج) دادگاه یا نهاد حقوقی مربوطه بلافاصله به مورد کودک رسیدگی نماید و در صورتی که سن و شرایط کودک اجازه دهند و نفع و آسایش کودک مختل نشود، والدین یا سرپرست کودک هم در دادگاه شرکت می کنند.

(ه) هرگاه حکم دادگاه اولیه مبنی بر مجرم شناختن و مجازات کودک بود، باید دادگاه یا مرجع بالاتری که جانبدار حکومت، حزب، فرقه یا آیینی نبوده و کاملاً ناوابسته باشد، حکم صادره قبلی را بررسی و به شکایت رسیدگی کند.

(و) هیچ گاه نباید محدوده خصوصی کودک و شخصیت او دچار آسیب شود.

این اساس چنانچه پس از ارتکاب جرم قانون مناسب تر به حال متهم وضع شود احکام قانون جدید اعمال می شود.

از این رو چنانچه از عملی جرم زدایی شود و حکم اجرا نشده باشد، حکم به مرحله اجرای نمی رسد و چنانچه حکم در حال اجرا باشد و جرم زدایی از عمل صورت گرفته باشد اجرای حکم متوقف می شود و اگر در حال اجرا مجازات جرم تخفیف یابد مجازات جدید (قانون خفیف تر) اعمال می شود و چنانچه پس از اجرا از عملی جرم زدایی شود آثار کیفری آن برای مجرم بار نخواهد شد.

بند ۴: اصل تناسب جرم و مجازات

این اصل تناسب میان جرم و مجازات از جمله اصول اساسی و مهم در قلمرو حقوق کیفری می باشد و این نظریه که محصول اندیشه های کلاسیک حقوق کیفری است ابتدائاً در بتن نظریه انتخاب عقلانی، بازدارندگی و سزاواری عادلانه تولید شده است بر این اساس شدت جرم و مجازات باید با شدت مجازات برابر باشد.

بنابراین چنانچه فردی مرتکب جرم خفیفی شود و به کیفرهای بدنی سخت محکوم شود می توان گفت که در اینجا اصل تناسب میان جرم و مجازات رعایت نشده است و در نقطه مقابل چنانچه فردی مرتکب شدیدترین نوع جرائم شود و به جزای نقدی محکوم گردد در اینجا هم می توان گفت که اصل تناسب میان جرم و مجازات رعایت نشده است.

به عنوان مثال چنانچه فرد (الف) مرتکب جرم (جیم) شود و به کیفر (میم) محکوم گردد و شخص (ب) مرتکب جرم (دو جیم) می شود حال در اینجا در صورتی تناسب میان جرم و مجازات رعایت می شود که شخص (ب) به مجازات (دو میم) محکوم گردد.

آقای «فون هس» حقوقدان و کیفرشناس آلمانی در نظریه جدید خود به تناسب طولی و عرضی توجه کرده است.

تناسب طولی:

تناسب طولی که به شدت جرم و مجازات تمامی جرائم توجه دارد مبین این است که چنانچه جرائم را از شدیدترین جرم به خفیف ترین جرم مشخص نمائیم میزان مجازاتهای این جرائم نیز باید از شدیدترین به خفیف ترین باشد.

تناسب عرضی :

در تناسب عرضی نیز به آلات مختلف خاص ارتکاب یک جرم خاص توجه کرده است و بر همین اساس شدت میان جرائم و مجازاتها باید تناسب داشته باشد .

در مجموعه قواعد حداقلی سازمان ملل متحد درباره مدیریت و اعمال عدالت کیفری اطفال و نوجوانان موسوم به مقررات پکن (PG) آمده است که هرگونه واکنش در برابر مجرمان نوجوان باید متناسب با جرم آنها باشد .

بند ۵: اصل جرم زدایی، کیفرزدایی، قضا زدایی

جرم زدایی، کیفرزدایی و قضا زدایی از نتایج مکتب دفاع اجتماعی نوین می باشد، آقای مارک آنسل سرمدار این مکتب با توجه به تورم قوانین کیفری و وجود گذاره های جرم انگار فراوان مفاهیم و ایده های جدیدی را در قلمرو علوم جنایی مطرح کرد که از آن جمله می توان به مفاهیمی چون جرم زدایی، کیفرزدایی و قضا زدایی فراهم کرد.

➤ جرم زدایی

جرم زدایی بدین معناست که قانونگذار کیفری بنا به دلایل مشخص وصف مجرمانه را از یک عمل بگیرد به عبارت دیگر همانطور که قانونگذار می تواند اقدام به جرم انگاری کند بنا به مصالح و دلایلی اقدام به جرم زدایی کند.

بر همین اساس کیفرزدایی نیز به معنای برداشتن ضمانت اجرای کیفری از یک عمل و بجای آن اعمال ضمانت اجراهای مدنی و اداری می باشد در همین راستا مفهوم دیگری که توسط آقای آنسل ارائه شده است قضازدایی می باشد.

➤ قضا زدایی

قضازدایی به معنای اتخاذ ساز و کارهایی است که رسیدگی به جرایم در خارج از رویه های رسمی عدالت کیفری صورت گیرد. مصداق بارز قضازدایی را می توان ظهور یک مکتب فکری جدید در جرم شناسی و آیین دادرسی کیفری جستجو کرد که موارد این مکتب فکری عبارتند از؛

۱. عدالت ترمیمی.
۲. عدالت غیر رسمی.
۳. عدالت سبز.
۴. عدالت مبتنی بر صلح.
۵. عدالت راهبردی.

شکست نظام کیفری رسمی در کنترل جرم و نیز پایان ناامیدکنندهٔ مکتب اصلاح و درمان (مکتب اصلاح و درمان به دنبال آن بود که تا از طریق مجازات بزهکاران را اصلاح کند.) از بسترهای ظهور عدالت ترمیمی بوده است.

عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی بدین معناست که افراد بدون ورود به فرایند رسمی کیفری به حل و فصل اختلافات ناشی از جرم پردازد. در نظام کیفری رسمی قاضی کیفری بدون توجه به مبانی جرم شناسانه در پی احراز احکام جرم و مجازات کردن می باشد از طرف دیگر دغدغه ها و نیازهای بزهدیدگان در مرحله تعیین کیفر نادیده گرفته می شود و گاه رسیدن به هدف حقوق کیفری که همان مجازات کردن می باشد باعث می شود تا جبران خسارت بزه‌دیده نیز صورت نگیرد.

علاوه بر آن ورود فرد به فرایند کیفری به عنوان متهم و پس از آن مجرم باعث می شود تا این فرد با پیامدهای بدنام کنندهٔ اعمال کیفر مواجه شود و فرایند برگشت پذیری به جامعه دشوار گردد، لذا سه نقطه اساسی در ظهور رویکرد عدالت ترمیمی نقش داشتند.

➤ نقاط اساسی در ظهور رویکرد عدالت ترمیمی

۱. شکست نظام کیفری در کنترل جرم.
 ۲. عدم توجه به نیازها و دغدغه های بزه‌دیدگان در فرایند کیفری رسمی.
 ۳. پیامد بدنام کننده اعمال کیفری و دشوار شدن فرایند برگشت پذیری بزهکار به جامعه.
- بر این آقای نیل کریستی یکی از متفکران پیشگام عدالت ترمیمی در مقاله تحت عنوان اختلاف به مصاحبه دارایی (مالکیت) بر این اعتقاد است که اختلافات ناشی از جرم بخشی از دارایی بزه‌دیده و بزهکاری باشد که توسط نظام عدالت کیفری غصب شده است لذا این دارایی و اختلاف را باید به صاحبان اصلی خودش واگذار کرد.

بر این اساس عدالت ترمیمی توسل به راهبردها و سازوکارهایی است که بزهکار و بزه‌دیده را از فرایند کیفری خارج و در قالب نشست های گروهی در کنار یکدیگر قرار می دهد به عبارت بهتر میانجیگری یا صلح و سازش یا سنت ریش سفیدی یا کدخدامنشی راهبرد اصلی عدالت ترمیمی محسوب می شود.

در نشست های گروهی بزهکار و بزه‌دیده و در صورت نیاز خانواده های آنها در کنار یکدیگر قرار می گیرد در این بستر بزهکار از دلایل ارتکاب جرم توسط خودش سخن می گوید و بزه‌دیده متوجه می شود که بزهکار فردی است شبیه انسان های دیگر و تحت یک شرایط مشخص مرتکب جرم شده است ، در این راستا بزه‌دیده نیز از آلام و رنج های ناشی از ارتکاب جرم می گوید و بزهکار آلام وارده بر بزه‌دیده را با تمام وجود لمس می کند .

در این بستر بزهکار متعهد به جبران خسارت برای فرد بزه‌دیده می شود و به دلیل ارتکاب جرم از وی معذرت خواهی می کند ، این امر موجب می شود تا فرایند برگشت پذیری مجرم به جامعه تسهیل شود لذا در این راستا مناسب است به نظریه مهم آقای « بریت و میت » تحت عنوان شرمساری بازپذیرنده اشاره کنیم.

بر اساس این نظریه فرد بزهکار از طریق شرمساری و غُذر خواهی از بزه‌دیده بصورت متناسب به جامعه بر می گردد ، اهمیت رویکردهای عدالت ترمیمی در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار دارای اهمیت بیشتری است و دلیل آن توجه به مفهومی است در علم جرم شناسی که از آن به حرفه های مجرمانه یاد می شود و این حرفه های مجرمانه شامل سه مرحله می باشد .

➤ مراحل حرفه های مجرمانه

۱. مرحله شروع بزهکاری ؛ بر اساس این مرحله فرد در یک سن مشخصی شروع به جرم می کند (مرتکب اولین جرم می شود) .
۲. مرحله خط سیر مجرمانه ؛ در این مرحله توالی جرایم ارتكابی توسط شخص بزهکار مورد تجربه و تحلیل قرار می گیرد ، به عنوان مثال : فرد ممکن است در خط سیر مجرمانه ابتدا مرتکب سرقت خرد و سپس سرقت اتومبیل ، سرقت مغازه ها ، سرقت منزل ، ضرب و جرح عمدی و قتل شود .
۳. مرحله توقف بزهکاری مجرمانه ؛ یافته های پژوهشی در حوزه حرفه های مجرمانه نشان می دهد که به موازات کاهش سن شروع بزهکاری فرد سنین پایین به مرحله پختگی جنایی می رسد لذا احتمال می رود که نوجوان چهاره ساله ایی که با اندکی جرم مجرمانه مواجه شده است در سنین تقریبی ۲۵ تا ۳۰ سالگی به پختگی جنایی برسد ، علاوه بر آن پیامدهای بدنام کننده اعمال کیفر برای بزهکاران نوجوان جدیدتر خواهد بود زیرا فرایند برگشت پذیری آنها به جامعه را با مشکلاتی مواجه می سازد.

❖ گفتار دوم : قواعد تفسیری خاص

قواعد تفسیری خاص (اصول دادرسی کیفری افتراقی برای اطفال بزهکار)

قواعد تفسیری خاص در قلمرو حقوق کیفری اطفال ناظر بر اصول دادرسی کیفری افتراقی برای اطفال بزهکار می باشد ، پیش از ورود به بحث مناسب است مفهوم دادرسی کیفری و دادرسی کیفری افتراقی را معرفی نمائیم.

۱-۲: دادرسی کیفری

بر اساس ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری « آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم ، تعقیب متهم ، تحقیقات مقدماتی ، میانجیگری ، صلح میان طرفین ، نحوه رسیدگی ، صدور رأی ، طرق اعتراض به آراء ، اجرای آراء ، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و رعایت حقوق متهم ، بزه‌دیده و جامعه وضع می شود . »

بر اساس تعریف ارائه شده در قانون آیین دادرسی کیفری می توان گفت که دادرسی کیفری مراحل مختلف فرایند کیفری را در بر می گیرد .

۲-۲: دادرسی کیفری افتراقی

با تبیین ابتدائی دادرسی کیفری می توان دادرسی کیفری افتراقی را تعریف نمود ، همانطور که از نام دادرسی کیفری افتراقی بر می آید این رویکرد به دنبال رسیدگی به پرونده های کیفری خارج از رویه های معمول است به عبارت دیگر آیین دادرسی کیفری دارای اصول عام نیز که نهادهای کیفری مکلف به رعایت آنها هستند .

اصول عام حاکم بر قواعد فرایند کیفری در بر گیرنده مفهومی است که از آن به دادرسی منصفانه یاد می شود ، اصول دادرسی منصفانه حاوی نکات و شاخص هایی است که به دنبال رعایت حقوق دفاعی متهم می باشد از جمله این اصول می توان به مهلت معقول دادرسی ، تساوی در برابر قانون ، قانونمداری در عرصه فرایند کیفری ، حق دسترسی به وکیل ، منع شکنجه ، نگهداری تحت نظر در بازده زمانی بیست و چهار ساعته (بر اساس اصول دادرسی در مقررات بین المللی) و غیره اشاره کرد .

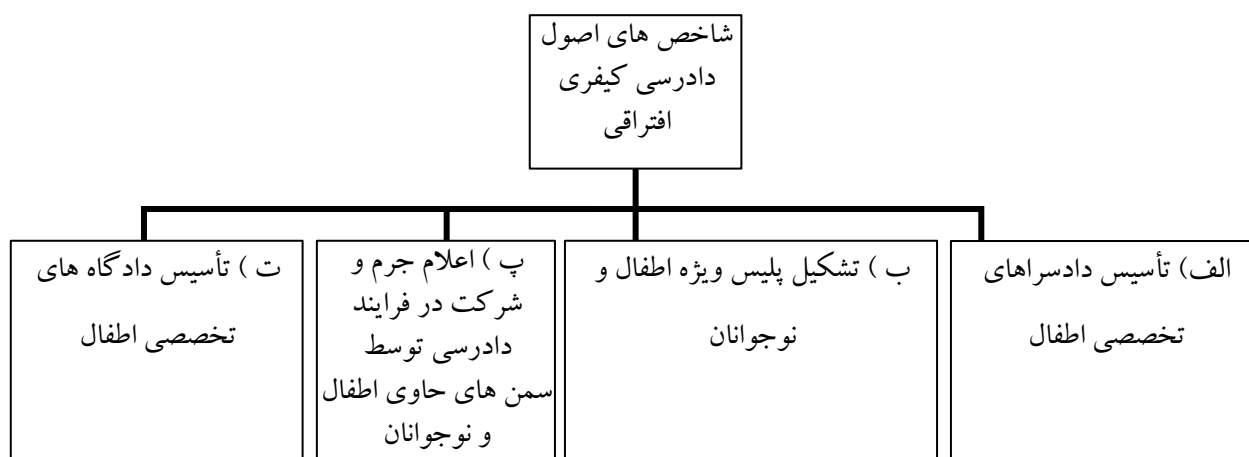
بر این اساس می توان گفت که دادرسی کیفری افتراقی دارای اصول و راهبردهایی است که به دنبال فاصله گیری از قواعد عام می باشد بر این اساس و با عنایت به تجربه کشورهای غربی و اسناد بین المللی موجود در این زمینه می توان گفت که دادرسی کیفری افتراقی بر دو نوع می باشد که عبارتند از ؛

۱. دادرسی کیفری افتراقی امنیت مدار یا سخت گیرانه .

۲. دادرسی کیفری افتراقی توأم با تساهل و تسامح .

رویکرد کیفری افتراقی امنیت مدار ناظر بر بزهکاران جرائم مهم بین المللی همچون تروریست ها و بزهکاران جرائم سازمان یافته می باشد در نقطه مقابل دادرسی کیفری مبتنی بر تسامح به دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار اشاره دارد ، لذا دادرسی کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اطفال و نوجوانان ناظر بر اصول ، راهبردها و سازو کارهایی است که به دنبال کودکی کردن دادرسی کیفری می باشد با توجه به لزوم دادرسی کیفری افتراقی برای اطفال بزهکار قانونگذار کشور در قانون آیین دادرسی کیفری جدید به برخی از اصول دادرسی کیفری افتراقی برای اطفال و نوجوانان توجه کرده است که در ادامه به بررسی اجمالی برخی از این شاخص ها می پردازیم .

➤ شاخص های اصول دادرسی کیفری افتراقی



الف) تأسیس دادرهای تخصصی اطفال

بر اساس ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری به تشخیص رئیس قوه قضائیه دادرهای تخصصی از قبیل دادرای جرائم کارکنان دولت ، جرائم امنیتی ، جرائم مربوط به امور پزشکی ، رایانه ایی ، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرای شهرستان تشکیل می شود گرچه که در این ماده به صراحت به تأسیس دادرهای ویژه اطفال اشاره نشده است اما با توجه به عبارت عام (از قبیل) نشان می دهد که مصادیق موجود در ماده ۲۵ تمثیلی بوده و با عنایت به اهمیت رسیدگی افتراقی به جرائم اطفال می توان برای آنها نیز دادرهای تخصصی تأسیس کرد .

ب) تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

قانونگذار در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری به تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان اشاره کرده است ، بر اساس این ماده به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تأسیس می شود .

فلسفه تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان حاوی این نکته است که تعامل پلیس و نحوه پاسخگویی به جرائم اطفال و نوجوانان باید با توجه به شرایط روحی و جسمی طفل بزهکار صورت گیرد بر اساس پیش فرض اولیه نیروهای پلیس افرادی هستند که با بزهکاران حرفه ایی سروکار داشته و با شاخص های دوران کودکی تا حدودی بیگانه شده اند لذا به نظر می رسد که تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان موجب شود تا ملاحظات اطفال در فرایند پلیس گیری مورد توجه قرار گیرد .

پ) اعلام جرم و شرکت در فرایند دادرسی توسط سمن های^۷ حاوی اطفال و نوجوانان

بر اساس ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری سازمان های مردم نهاد که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان است می تواند نسبت به جرائم ارتكابی اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کند ، حضور سمن ها در فرایند کیفری که جلوه هایی از سیاست جنایی مشارکتی است به منظور حمایت هر چه بیشتر از اطفال بزهکار صورت گرفته است بر این اساس سمن ها با حضور در تمامی مراحل فرایند کیفری نیز به دنبال حمایت از حقوق اطفال بزهکار می باشد .

۷- سازمان مردم نهاد .

ت (تأسیس دادگاه های تخصصی اطفال

بر اساس ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های کیفری به دادگاه کیفری یک ، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب ، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه های نظامی تقسیم می شوند .

ماده ۲۹۸ این قانون حاوی این نکته است که دادگاه اطفال با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می شود . بر اساس تبصره این ماده در هر حوزه قضایی شهرستان یک یا چند حوزه دادگاه اطفال تشکیل می شود .

ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری در صورت ضرورت در حوزه بخش نیز این دادگاه ها هم تأسیس می شود، ماده ۳۰۴ این قانون نیز بیان داشته که به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود تبصره دوم این ماده نیز اظهار داشته است که در صورتی طفل در طول فرایند کیفری از هجده سال عبور کند ، دادگاه اطفال و نوجوانان به رسیدگی خود در این زمینه ادامه خواهد داد .

منابع

- ۱ ————— ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر .
- ۲ ————— ماده ۱۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی.
- ۳ ————— ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک .
- ۴ ————— مقالات دکتر حمیدرضا دانش ناری .
- ۵ ————— قانون آیین دادرسی کیفری جدید .
- ۶ ————— قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ .